یادداشت روز

افق «عراق مقاوم»

سعدالله زارعی

«عـــراق» یک نقطه کانونی در تحولات منطقه‌ای و به خصوص در منطقه عربی است. اگر به وضع ۲۲ کشور عربی نگاه بیندازیم، عراق را به نسبت بقیه در «وضعیت ویژه» می‌بینیم. کشوری که از نظر سیاسی «دموکراتیک‌ترین»، از نظر اقتصـــادی «پویاترین»، از نظر فرهنگی «الهام‌بخش‌ترین»، از نظر تمدنی «دیرپاترین» و از نظر آمار نخبگان سیاسی و فرهنگی « بیشترین» است. به همین دلیل تحولات درونی عراق بیش از هر کشور دیگر بر محیط عربی اثرگذار است. پس عراق برای اینکه به عنوان اولین کشور عرب شناخته شود، از ظرفیت لازم برخوردار است. در این میان قدرت‌های بیگانه‌ای که نمی‌خواهند در کشورهای عرب، قدرت قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد تا در برابر آنان قد علم کند، تلاش زیادی بـــه خرج می‌دهند تا عراق هم مثل کشور مصر مضمحل شده و از دور خارج شود. درخصوص این موضوع، نکته‌هایی وجود دارد:

۱- کشورهای عربی در این ۱۰۰ سال به ندرت «قائمه»ای داشته‌اند. مصر در برهه‌ای کوتاه در حدفاصل اوایل دهه ۱۳۳۰ تا اول دهه ۱۳۵۰ نقش رهبری‌کننده، انسجام‌بخش و پیشرو کشورهای عربی ایفا کرد و توانست از اعراب، قدرتی فراهم کند. آزادسازی کانال سوئز، براندازی رژیم ســـلطنتی وابسته به انگلیس، شکل‌دهی به جنبش عدم‌تعهد، مقابله با اشغال فلسطین، شکل‌دهی به ارتش بزرگ، راه‌اندازی یک جنبش عربی، تأسیس نظام جمهوری و مقابله با نفوذ غرب در کشورهای عربی، به مصر یک هویت کانونی داد و به کشورهای عربی نیز هویت بخشید. با مرگ «جمال عبدالناصر»، شیرازه جنبشی که به راه‌انداخته بود، از هم گسست و امروز از این جنبش و افتخارات آن فقط نامی و یادی باقی مانده است. خود مصر امروز به طور مطلق به حاشیه رفته و گرفتار انواعی از حوادث است. آن مصر جمهوری و دموکرات، امروز و البته ۵۰ سال است با سرنیزه نظامیان اداره می‌شود، سادات، مبارک و سیسی به غرب وابسته شـــدند و اهمیت به مردم مصر ندادند و با دیکتاتوری بر آنان حکومت کردند. مصر پیشتاز در نهضت غرب‌زدایی از حوزه عربی و مصر خط‌مقدم مبارزه با اشغال فلسطین امروز به مصر تحقیر شده، وابسته، آلوده و منزوی تبدیل شده است به گونه‌ای که در هر ده سال هم یک خبر قابل ملاحظه از آن به گوش کسی نمی‌رسد. سایر کشورها -نظیر عربستان، سودان و الجزایر- که می‌توانند قدرتی باشـــند، هم هر کدام به وضعی اسفناک‌تر از مصر گرفتار شده‌اند. در اینجا ســـوگمندانه باید گفت غرب در انهدام کشورهای عربی خیلی موفق عمل کرده اســـت. اما البته از آن طرف در جان ملت‌های عربی هنوز امیدی شعله می‌زند و از این‌رو به پیام‌هایی که به «تغییر وضع موجود» فرامی‌خوانند، واکنش مثبت نشان می‌دهند. این پیام‌ها گاهی صادقانه‌اند نظیر آنچه به بیداری اسلامی یا بهار عربی موسوم گردید و گاهی هم پیام‌هایی کاذبند نظیر آنچه به نام احیای خلافت عربی در پروژه‌ای غربی -تکفیری مطرح گردید. پس در میان ملت‌های عرب هنوز امید به پیدایی یک «منجی عربی» وجود دارد.

۲- عراق این ظرفیت را دارد که در نقش «منجی عربی» ظاهر شده و این را به نتیجه برساند. عراق از حیث تمدنی، سابقه‌ای ۵ تا ۷ هزار سال دارد، تمدن آشور، بابل، سومر و اکد از همین سرزمین سربرآورده‌اند و پیامبران بزرگی نظیر حضرت ابراهیم علیه‌السلام در همین سرزمین به دین خدا فراخوانده‌اند. عراق در صدر اسلام، «اردوگاه» و «آوردگاه» توسعه دعوت اسلام و شـــکل‌دهی به قدرت اسلامی بوده است. در زمانی که بیداد بنی‌امیه با مرکزیت شام همه را به ستوه درآورده بود، این عراق بود که بیش از هر جای دیگری به مقابله با آن برخاســـت و کانون حکومتی شد که به نام «رضا من آل محمد» در بغداد پدید آمد و حدود ششصد سال به درازا کشید هر چند حکومتی که قریشیان و آل عباس در بغداد پدید آوردند به مراتب بیدادگرتر بود و از همین رو و باز از این عراق بود که به کانون قیام‌ها علیه بنی‌العباس تبدیل گردید. کما اینکه همین عراقی‌ها بعداً به مؤثرترین جریان عربی در مقابله با خلافت عثمانی تبدیل شده و آن را ویران کردند. حال بگذریم که در این برهه، آنان به پروژه‌ای کمک کردند که ماهیتی ضداسلامی داشت و در واقع در میدان انگلیسی‌ها جانفشانی کردند تا امپراتوری مسلمان عثمانی برافتاد. آنچه در اینجا مدنظر ماست آن حسن تسلیم‌ناپذیری و جانفشانی است که گاهی در وقت خود و گاهی در غیروقت خود منشأ تحول شدند، عراقی‌ها برخلاف مصری‌ها، برخلاف حجازی‌ها، برخلاف صوفیان آفریقا و برخلاف دولت‌های مولود قرارداد سایکس‌پیکو، خود را صاحب حق دانسته و دیگران را در حاشیه به حساب آورده‌اند. اگر در میان کشورهای عربی امیدی به شکل‌گیری یک دولت قوی وجود داشته باشد، کانون این امید، «عراق» است. به عنوان مثال عراق، مصر، تونس و لیبی در یک دوره زمانی نزدیک به هم - از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲- برای تغییر پا به میدان حکمرانی گذاشتند، اما در این میان آنکه بیش از بقیه دوام آورد، عراق بود. عراقی‌ها برخلاف مصری‌ها و... توانستند از حکومتی که در سال ۱۳۸۴ پدید آورده بودند، محافظت کرده و از بحران‌های سخت عبور دهند ولی در بقیه کشورهای عرب، تأسیس دولت به سرانجام نرسید و درگیری میان اجزاء این دولت‌ها گسترش یافت و بعضی نظیر لیبی کماکان درگیر اختلاف، تجزیه و جنگ‌های خونین می‌باشند. در ارزیابی از تحولات یک دهه اخیر می‌توانیم بگوییم عراقی‌ها استقامت بیشتری به خرج دادند.

۳- آمریکایی‌ها از یک طرف، عراق را به عنوان مرکز سیاست‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه خود در منطقه در نظر گرفته‌اند و معتقدند هیچ کشور دیگری -شامل عربستان، ترکیه و رژیم صهیونیستی- قادر نیست این نقش کانونی را برای آمریکا ایفا کند و لذا بر ادامه حضور نظامی و حفظ دو پایگاه بزرگ نظامی خود -حریر در اربیل و عین‌الاسد در الانبار- اصرار دارند و این روزها که با مخالفت جدی عراقی‌ها مواجه شده‌اند، به لطایف‌الحیل روی آورده و از یک‌سو وعده رونق اقتصادی دروغین داده و از ســـوی دیگر از باز تولید داعش بیم می‌دهند و از طرف دیگر با تبدیل شدن عراق به یک «قدرت کانونی» که می‌تواند قدرت عربی را احیا کند، به شـــدت مخالفند و از این رو این کشور را با انواعی از تنش‌های داخلی - سیاسی، امنیتی و اجتماعی درگیر و سرگرم کرده‌اند.

آمریکایی‌ها به خوبـــی می‌دانند که قرار گرفتن عراق در «محور مقاومت»، آن را از پشـــتیبانی راهبردی ایـــران برخوردار می‌کند و انتقال توان علمی، تکنولوژیک، آرمانی و اعتقادی جمهوری اسلامی به عراق، بغداد را با سرعت بســـیار زیادی به مهم‌ترین قطب عربی تبدیل می‌کند. اگـــر «عراق دموکراتیک» و برخوردار از منابع عظیم و زمین‌های بســـیار حاصلخیز به ثبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی برســـد و ضمناً ظرفیت سلطه‌ستیزی آن علیه مداخلات غرب فعال شود، ملت‌ها، دولت‌ها و نخبگان عربی در آسیا و آفریقا به سوی آن رهسپار می‌شوند و عوامل نفوذی و مخرب غرب در بین آنان -شامل سعودی‌ها و صهیونیست‌ها- از اریکه قدرت به زیر کشیده شده و در عمل، «قدرت اسلامی» و «قدرت عربی» شکل می‌گیرد و به بزرگ‌ترین قطب قدرت در جهان آینده تبدیل می‌شود. آنان می‌دانند که کشورهای عربی اگر به هم برســـند -که این یک آرزوی دیرینه است و پیدایی واژه «جهان عرب» و «امت عرب» که هیچ‌گاه شکل واقعی پیدا نکرده است، دقیقاً از متن فرهنگ مشترک عربی برخاسته است- عرب‌ها در جهان ۲۲ کشور دارند که شامل ۱۲ کشور در قاره آسیا و ۱۰ کشور در قاره آفریقا می‌شود و مجموعاً بیش از ۱۳۰ میلیون کیلومتر مربع در اختیار دارند و این از مساحت قاره اروپا و کشور آمریکا -به ترتیب با حدود ۱۰ میلیون و حدود ۹/۸ میلیون کیلومتر مربع- بیشتر است. این یک ظرفیت بزرگ است و زمانی که با این آمار «مؤسسه پیو» مواجه می‌شویم که نفرت از غرب در میان کشورهای عربی را بین ۷۰ تا ۹۵ درصد اعلام کرده است، متوجه زنگ خطر به هم رسیدن کشورهای عربی که ترجمه قومی «قدرت اسلامی» هم به حساب می‌آید، برای غرب می‌شویم. آمریکایی‌ها کلیدواژه به هم رسیدن «قدرت اسلامی» و «قدرت عربی» را در جدا افتادن عراق از ایران می‌دانند چرا که در ایران دو عنصر «قدرت سیاسی» و «استکبارستیزی» به هم رسیده‌اند و پیوستگی عراق به جمهوری اسلامی، خود به خود این دو عنصر را به عراق و از این طریق به حوزه عربی و حوزه اسلامی منتقل می‌گرداند.

متأسفانه در عراق بعضی از شـــخصیت‌ها و پاره‌ای از احزاب به غلط گمان کرده‌اند پیوستن عراق به محور مقاومت، آن را در معرض فشارهای بنیان‌کن قرار می‌دهد و تصور کرده‌اند این از «طاقت عراق» خارج اســـت و این در حالی است که پیوستن عراق به محور مقاومت به قدرت‌یابی عراق و قرار گرفتن در جایگاه «قدرت عربی» ســـرعت می‌دهد.

بقیه در صفحه ۱۱

با حضور در مساجد تهران

نمایندگان پای درد دل مردم گام بعدی اقدام عملی

سرویس سیاسی-

دبیر مجمع نمایندگان استان تهران می‌گوید که در جلســـات این مجمع قرار بر این شـــد که به‌صـــورت دوره‌ای نمایندگان به مناطق مختلف اســـتان تهران و نیز شـــهر تهران بروند و ضمن دیدار و گفت‌وگـــو با مردم برای حل مشکلات آنها کوشش کنند؛ سخنگوی این مجمع نیز به کیهان گفت در این دوره مســـجد محل دیدارهای رودرروی نمایندگان و مردم خواهد بود.

قانون‌گـــذاری و نظـــارت دو بال مجلـــس هســـتند. دو بالـــی که اگر به‌درســـتی و با در نظر گرفتن مصالح مردم و نظـــام و هماهنگ با یکدیگر بـــه حرکت درآیند مجلس را به قله‌ها می‌رســـاند و به تعبیری به راس امور بازمی‌گرداند.

مردم در حالی که ۴ سال مجلس دهم را با اکثریت اصلاح‌طلب و حامیان دولت پشت‌سر گذاشته بودند اسفندماه گذشـــته پای صندوق‌های رای آمدند و به جریان و تفکری که هفت ســـال قوه مجریه و دولت، چهارسال مجلس دهم و قریب ســـه سال شورای شهر و شـــهرداری تهران را در دست داشت؛ «نه» گفتند. تفکری که تمام راهکارش برای حل مشکلات از مجرای مذاکره با نظام ســـلطه می‌گذشـــت عملاً در برجـــام نشـــان داد که به این شـــیوه و روش نمی‌تـــوان کمتریـــن امیدی داشـــت، چرا که در ایـــن حال اراده و خواست بیگانگان است که تعیین‌کننده خواهد بود.

در عوض مردم بـــه جریان برای مجلس یازدهم اعتمـــاد کرده‌اند که گفتمان آن اتکا به درون است. جریانی که راه‌حل مشکلات را در عزم راسخ و مدیریت جهادی و ایمان و پاکدستی می‌داند. از همان نخستین روزهایی که «محمدباقر قالیباف» به ریاست مجلس یازدهم رسید در جملاتی تأکید کرد که عـــزم نمایندگان مجلس در ایجاد تحول در کارها و مدیریت کشور راسخ است. قالیباف در صحن مجلس گفت: «ان‌شاءالله با تشـــکیل کمیسیون‌ها، بحث نظارت در اولویت مجلس یازدهم قرار خواهـــد گرفت و این نظارت هم حتماً نظارت دقیق و به‌صورت میدانی خواهد بود.»

بـــه عبارتی نماینـــدگان مجلس یازدهم می‌توانند زمینه تحولی بزرگ باشـــند. آنها با عملکرد درســـت خود می‌تواننـــد تعریـــف نمایندگی مردم را ارتقا بخشـــند و شـــاخص آن را در جامعه بهبود دهند آن هم این‌گونه که تـــا پیش از این تصور و توقع جامعه از یک نماینده مجلس هرچه بوده اما با عملکرد نمایندگان انقلابی و حضور آنها در میان مردم و نتیجه دادن این حضور می‌توانند شـــاخص و تصور و انتظار از یـــک نماینده مجلـــس را ارتقا دهند. تصـــور کنید مدیر یـــک مجموعه در دفترش مستقر است و هیچ‌گاه در میان کارمندان و کارگران و یا در محیط آن مجموعه حضور نمی‌یابد. مدیر پس از او اما به میان کارگران می‌آید و در محیط مجموعه حاضر می‌شـــود؛ مشکلات را می‌شـــنود و در حل آنها می‌کوشد. این‌گونه این فرد به‌جز تغییر و تحول مثبت در مدت مدیریت خود، در عرصه بلندمدت باعث می‌شود معیار و شاخص و تصویر و تصور کارمندان و کارگران از یک مدیر تا حدود زیادی بهبود یابد و آنها از مدیران بعدی نیز چنین عملکرد و روشی را متوقع باشند.

این‌گونـــه دیگر جامعـــه از یک نماینده مجلس چنین تصوری ندارد که او هم یک فرد دور از دسترس است و برای انتقال مشکلات و سختی‌ها به او باید از چند خوان گذشت. البته به غیر از این حضور نمایندگان انقلابی مجلس در میـــان مردم و شـــنیدن حرف‌ها و مشـــکلات آنها و تلاشـــی مومنانه و مخلصانه برای رفع آن مشکلات از دیگر فواید این روش و منش اســـت. دیگر اینکه مســـئولین مرتبط با آن منطقه یا آن مشکلات چشمان ناظر مجلس را همواره به سوی خود باز می‌بینند.

در روزهـــای پایانـــی هفته قبل برخی از نمایندگان استان تهران ضمن حضـــور در میان مردم پای حرف‌های آنها نشســـتند. در این دیدارها برخی مسئولان محلی و انتظامی نیز حضور داشتند تا این‌گونه و فی‌المجلس زمینه حل برخی دغدغه‌ها و مشکلات مردم فراهم شـــود. در این ارتبـــاط با دبیر و ســـخنگو و یکـــی از اعضای مجمع نمایندگان اســـتان تهران به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه آمده است.

نظارت میدانی
و گفت‌وگوی رودررو با مردم

«سیدنظام‌الدین موسوی»، نماینده مردم تهران در مجلس یازدهم و دبیر مجمع نمایندگان استان تهران است. وی به خبرنگار کیهان گفت: «بعد از تشکیل مجمع نمایندگان استان تهران تا به حال چندین جلســـه آن برگزار شده است.»

موســـوی در ادامه افزود: «یکی از برنامه‌های مدنظر نمایندگان تعامل و گفت‌وگوی رودررو با مردم است. تقریبا از ابتدای شکل‌گیری مجمع برنامه‌های مختلفی سازمان‌دهی شد. طی هفته گذشـــته صحن مجلس تعطیل بود و نمایندگان باید در حوزه‌های انتخابیه حضور می‌یافتند.»

ایـــن نماینـــده تهـــران گفـــت: «نمایندگان اســـتان تهـــران از جمله تهـــران بـــزرگ، ری، اسلامشـــهر، شـــمیرانات، پردیس به‌علاوه شهریار، رباط‌کریم، دماوند، پاکدشت و ورامین همگـــی در مورد این روش اتفاق نظر داشتند و از این ایده استقبال کردند. لذا برای بازدید میدانی و سرکشـــی و تعامل با مردم برنامه‌ریزی کردیم.»

دبیر مجمع نمایندگان اســـتان تهران در تشـــریح ایـــن موضوع به ۲ برنامه اصلی در این راســـتا اشاره کرد و در تشریح این برنامه‌ها خاطرنشان ســـاخت: «برنامه‌های مـــا در ۲محور خواهـــد بود. یکی ملاقـــات با مردم و دیگری ملاقات با مسئولین مرتبط با همان منطقه.»

موسوی سپس افزود: «در همین ارتباط همکاران ما با مردم حسن‌آباد و فشـــافویه دیدار و گفت‌وگو کردند و همچنین در این دیدارها مســـئولین مرتبط با آن مناطق نیز حضور داشتند. همکاران ما از نزدیک گلایه‌های مردم را شنیدند. خوشبختانه مسئولین محلی هم استقبال خوبی داشتند. همچنین چند تـــن از نمایندگان در مســـاجد منطقه ۱۷ تهران حضور پیدا کردند که در این دیدارها نیز مسئولان محلی نیز حاضر بودند.»

نماینـــده مـــردم تهـــران گفت: «همچنین شـــب گذشته به مناسبت میلاد امام رضا(ع) در هشـــت مسجد حضـــور پیدا کردند و پای حرف مردم نشســـتند. تصمیم ما این است که در مجمع نمایندگان اســـتان تهران این دیدارها ادامه یابد و از نزدیک با مردم به تعامل و گفت‌وگو بپردازیم.»

موسوی ســـپس اضافه کرد: «به غیر از این مســـئولان را به جلســـات مجمع نمایندگان استان تهران دعوت می‌کنیم. کـــه هفته گذشـــته آقای حناچی، شـــهردار محترم شهر تهران در جلسه ما حضور یافتند و به تعمل با نمایندگان پرداختند. نمایندگان مردم تهران نیز مشکلات و خواسته‌های مردم را به ایشان انتقال دادند. در ادامه این جلسات نیز در جلسه آینده استاندار تهران حاضر خواهد شد.»

مسجد، محل دیدار با مردم
و حل مشکلات

«علی خضریان» یکـــی دیگر از نمایندگان شـــهر تهران و سخنگوی مجمع نمایندگان استان تهران است. خضریان در گفت‌وگو با کیهان به دیدار مردمی تعدادی از نمایندگان تهران با اهالی، کسبه و اقشار ساکن منطقه ۷ اشاره کرد و افزود: «در نشست مجمع نمایندگان اســـتان تهران قرار شـــد یک ســـامانه برای دریافت مشکلات و درخواســـت‌های مردمی راه‌اندازی شـــود، حضور در مناطق برای دیدار با آنها به‌صورت مســـجد محور انجام شـــود و به یـــاری خـــدا در این دوره ســـعی می‌کنیم مسجد کانون ارتباط نمایندگان، مســـئولان و مردم شود و همچنین به توفیـــق الهی محل حل مشکلات مردم گردد.»

از وی پرسیدیم که این ملاقات‌ها چه نتایجی در بر خواهد داشـــت و آیا به اقدام عملی منجر خواهد شـــد؛ که خضریان در پاسخ گفت: «این دیدارها فواید و ثمرات فراوانی دارد. نخســـت اینکه ما به‌عنوان نمایندگان مردم به ولی‌نعمتان خود در این دیدارها گزارش می‌دهیم که در مجلس چه اقداماتی انجـــام داده‌ایم. وقتی این گزارش‌ها را به مردم انتقال می‌دهیم گاهی پیش می‌آید که مردم پیشنهادهایی می‌دهند که حقیقتا پیشنهادهای خوبی هستند و در همین دیدارهای اخیر برای من پیش آمده که پیشـــنهادی را دریافت کرده‌ام که بسیار خوب بوده است.»

سخنگوی مجمع نمایندگان استان تهران در ادامه افزود: «همچنین مردم به بیان مشکلات خود می‌پردازند و از آنجا که این دیدارها با حضور مسئولان محلی و انتظامی انجام می‌شود بسیاری از خواسته‌های مردم در همان‌جا توسط مسئولان مربوطه صورت جلسه شد و ما نیز پیگیر خواهیم بود که ان‌شاءالله در زمان وعده داده شده انجام شود.»

خضریان در ادامـــه گفت: «البته بعضی از درخواســـت‌های مردم نیز به حوزه ملی مربوط می‌شـــود و باید در صحن و یا کمیسیون مطرح شود که آنها نیز توســـط ما نمایندگان نوشته می‌شود که پیگیری شود.»

گفت و شنود

دورخیز!

گفت: اندیشکده آمریکایی «علوم و امنیت بین‌المللی واشنگتن» اعـــلام کرده اســـت که کره‌شـــمالی علی‌رغم تحریم‌هـــای آمریکا با ۶۲ کشور از جمله کره‌جنوبی روابط تجاری دارد.

گفتم: وقتی گفته می‌شد کره شمالی قبل از اینکه آمریکا به تعهداتش عمل کند، حاضر نشده هیچ امتیازی بدهد، چرا ایران همه امتیازات را داده و حالا دســـتش به هیچ جا بند نیست طرفداران برجام می‌گفتند شما مذاکره بلد نیستید!

گفت: خُب، حالا که معلوم شده کره شمالی در اوج تحریم‌های آمریکا با ۶۲ کشـــور روابط تجاری داشته چه می‌گویند؟! کجای ما از کره شمالی کمتر است؟!

گفتم: چه عرض کنم؟ حتماً می‌گویند ما هم در حال فراهم آوردن مقدمات بودیم که ترامپ دیوانه از برجام خارج شد!

گفت: به قول شاعر؛

«عاقل به کنار جو پی پل می‌گشت // دیوانه پا برهنه از آب گذشت»!

گفتم: در مســـابقه دو صد متر، بعد از آنکه سوت شروع مسابقه به صدا درآمد یکی از شرکت‌کنندگان به جای حرکت به جلو، ده متر عقب رفت! پرســـیدند این چه کاری است؟! گفت؛ دارم دورخیز می‌کنم!

۴ نفتکش دیگر ایرانی در راه ونزوئلا آمریکا باز هم تهدید کرد

عده‌ای از دادستان‌های فدرال آمریکا شکوائیه‌ای تنظیم کرده‌اند تا محموله سوخت چهار نفتکش ایران را کـــه در حال حرکت به ســـمت ونزوئلا هستند، مصادره کنند.

آمریکا بعد از ناکامی ماه گذشته در جلوگیری از ارسال محموله سوخت ۵ نفتکـــش ایران بـــه ونزوئلا تلاش تـــازه‌ای را برای ممانعـــت از تجارت قانونی این دو کشور آغاز کرده است.

به گـــزارش فـــارس، خبرگزاری رویتـــرز گزارش داد چند دادســـتان فدرال شکوائیه‌ای برای توقیف محموله ســـوخت ۴ نفتکش ایران که در حال حرکت به ســـوی ونزوئلا هســـتند، تنظیم کرده‌اند.

رویترز این اقـــدام را جدیدترین اقدام از ســـوی دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بـــرای افزایش فشـــار اقتصادی بر ایـــران و ونزوئلا به عنـــوان دو دشـــمن آمریکا تعبیر کرده است.

تحریم‌هـــای آمریکا بـــه کمبود ســـوخت در ونزوئلا منجر شده است. با ایـــن وجود، مقام‌های آمریکایی در محافل خصوصی می‌گویند شکســـت دولت آمریـــکا در براندازی نیکلاس مـــادورو، رئیس‌جمهـــور ونزوئـــلا به عاملی برای سرخوردگی ترامپ منجر شده است.

دادستان‌های فدرال با تنظیم این شکوائیه به دنبال جلوگیری از تحویل محموله سوخت چهار نفتکش تحت پرچم لیبری هستند که در حال انتقال سوخت ایران به ونزوئلا است.

دادستان‌های آمریکایی علاوه‌بر این خواستار جلوگیری از انتقال پول ناشـــی از فروش ایـــن محموله‌ها به ایران شده‌اند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا حدود ۱۰ روز پیش پنج ناخدای نفتکش‌های مورد اســـتفاده برای انتقـــال بنزین ایران به ونزوئلا را در فهرست تحریم قرار داد.

در بیانیه‌ای که روی وب‌ســـایت وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفته ایـــن ۵ فرد به دلیـــل «مرتبط بودن بـــا خطـــوط کشـــتی‌رانی جمهوری اســـلامی ایران» در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند.

ایران از ماه آوریل ۵ نفتکش که مجموعـــا حدود ۱/۵ میلیون بشـــکه بنزین حمل می‌کردند به ونزوئلا که به شدت به ســـوخت نیازمند است، ارسال کرد.

خبر ویژه

شرمندگی روزنامه حامی دولت از دروغ «تقصیر دولت قبل است»

یک روزنامه حامی دولت از اینکه دولت روحانی به جای پاسخگویی، مسئولیت‌ها را گردن دولتی می‌اندازد که هفت سال قبل تمام شده، انتقاد کرد.

روزنامه آرمان از قول مسعود دانشمند (دبیرکل خانه اقتصاد) نوشت: در حالی‌که بانک مرکزی باید سیاست‌گذار شرایط پولی کشور باشد صندوق‌دار دولت است. این نقش بانک مرکزی است که مورد انتقاد بسیار شدید هم قرار دارد، بانک مرکزی باید حتی مستقل از دولت عمل کند. اگر در شرکتی صندوقدار و مامور خرید یکی باشد معلوم اســـت که هرچه بخواهد می‌خرد و هرطور که بخواهد می‌فروشد. بنابراین باید تفاوتی بین اینها وجود داشته باشد. طبق قانون پولی‌بانکی و تاسیس بانک مرکزی و شـــرح وظایفی که برای آن شده، بانک مرکزی مدیر فضای پولی کشور معرفی شده ولی بانک مرکزی ما در این زمینه کاری نکرده است.

این کارشناس اقتصادی می‌افزاید: زمانی‌که در مجلس درباره نیاز صندوق توسعه ملی صحبت کردیم نگاه ما بیشتر به صنایع کوچک و متوسط بود. از ۱۰ تا ۵۰۰ پرسنل صنایع کوچک و متوسط محسوب می‌شوند و برای اینکه خودشان را رشد دهند نیاز به تامین مالی از بازار خارجی دارند، چون باید وثیقه به بانک خارجی بســـپارند این کار دشـــواری برای آنهاست؛ به همین جهت گفتیم به‌جای این کار، حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد فروش نفت را در صندوق توسعه ملی قرار دهند تا به این صنایع برای تاسیس، توسعه و نوسازی وام بدهد ولی عملا این اتفاق نیفتاد. باید آمار صندوق را دید که به چه تعداد صنایع کوچک و متوسط وام داده شده است. فرض کنیم وام هم داده شده حالا با توجه به اینکه نرخ ارز افزایش یافته و صنایع کوچک و متوسط باید کالاهای خود را به ریال بفروشند؛ شکاف زیادی بین تعهدات ارزی و قیمت فروش ریالی آنها ایجاد شده و در نتیجه نتوانستند تعهداتشان را انجام دهند. در نتیجه به جای اینکه مشکلی را از صنعت کشور حل کنیم قفلی را به قفل‌های دیگر اضافه کردیم. بنابراین عمده مشکلاتی که امروز در اقتصاد می‌بینیم به سیاست‌گذاری پولی برمی‌گردد که مستقیما به بانک مرکزی مربوط است و این بانک مرکزی است که باید سیاست‌ها را با دولت هماهنگ کند نه اینکه مجری مصوبات دولت باشد.

وی همچنین گفته اســـت: از ابتدایی که دولت آقای روحانی سرکار آمد، گفتند که مشـــکلات ناشـــی از دولت آقای احمدی‌نژاد بوده است، فرض کنیم که همه این حرف‌ها درســـت است و همه مشـــکلات برای دوران احمدی‌نژاد است، آقای روحانی شما دولت را با توجه به همین شرایط و مشکلات تشکیل داده‌اید بنابراین باید برای حل این مشکلات راه‌حل می‌داشتید. هفت سال از دولت گذشته و راه‌حلی ارائه نشده است. چیزی که اتفاق افتاده تورم و افزایش نرخ ارز و کوچکتر شدن سفره مردم بوده و امروز همه مردم با مشکل اقتصادی مواجه هستند. چرا در این هفت سال مشکلی حل نشده بلکه اضافه هم شده است. به عنوان مثال در دوره احمدی‌نژاد پدیده‌ای به‌نام مسکن مهر وجود داشت که انتقاد زیادی از آن شد. باید پرسید شما که این اقدام را غلط می‌دانستید چه جایگزینی برای آن فراهم کردید؟ هیچ. نتیجه این شد که بحران مسکن و اجاره‌بها امروز اتفاق افتاده است. به دلیل اینکه شکاف بزرگی بین عرضه و تقاضای مسکن ایجاد شده است.

فریدمن: آمریکا ۱۰ سال است از لوازم ابرقدرتی جامانده است

یک تحلیلگر آمریکایی از حزب دموکرات می‌گوید: آمریکا ۱۰ سال است از مسیر قدرت‌افزایی خارج شده است.

تومـــاس فریدمن در گفت‌وگو با الجزیره درباره جایگاه آمریکا در جهان گفت: در شرایط فعلی، آمریکا دیگر رهبری جهان را در دست ندارد. آمریکا در شرایط نابودی و تفرقه قرار گرفته است. اگر توجه کنیم که در طول ۲۰۰ سال گذشته، چه چیزی آمریکا را به یک قدرت بزرگ تبدیل کرد، می‌بینیم که آمریکا همواره در پنج چیز اصلی یعنی زیرساخت‌ها شامل راه‌ها و ارتباطات، نظام آموزشی، قوانین درست برای ریسک‌پذیری به دور از اقدامات متهورانه، تحقیقات علمی با تامین مالی دولتی، مهاجرت سرمایه‌گذاری می‌کرد. آمریکا میزبان مستعدترین افراد از جهان بود که بیشتر آنها از خاورمیانه می‌آمدند. آمریکا همواره در آموزش شهروندان خودش، سرمایه‌گذاری کرده است.

وی گفت آنچه آمریکا را از مســـیرش خارج کرد آن است که در حدود ۱۰ سال گذشته، ما سرمایه‌گذاری در این پنج زمینه را متوقف کردیم. نمی‌توانم به این سؤال که چرا آمریکا سرمایه‌گذاری در این زمینه را متوقف کرده، پاسخ ساده‌ای بدهم. نسلی که من در آمریکا از آن هســـتم، «نسل حریص» نامگذاری خواهد شد. ما فکر کردن برای بلندمدت و ســـرمایه‌گذاری را کنار گذاشـــتیم. اگر شما بخواهید از نیویورک به شیکاگو بروید باید ۲۲ ساعت در قطار باشید، اما با قطار از پکن به شانگهای فقط ۴ و نیم ســـاعت طول می‌کشد. در حالی که فاصله پکن تا شانگهای، مقداری بیشتر از مسافت نیویورک تا شیکاگو است؛ بنابراین آمریکا سرمایه‌گذاری در بخش‌های اساسی را که باعث پیشبرد آن شد، متوقف کرد. زیرا ما اکنون فقط به فکر کوتاه‌مدت هستیم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا آمریکا در حال جنون، ترامپ را به کاخ سفید رساند یا این اقدام، تحول طبیعی با توجه به جنگ ایدئولوژیک در آمریکا بود؟ خاطرنشان کرد: ریاست‌جمهوری ترامپ، نتیجه چند مسئله بود. ترامپ با فردی (هیلاری کلینتون) رقابت کرد که از محبوبیت در بین افراد مســـتقل، برخوردار نبود. شکاف درآمدی در آمریکا هم تشدید شده بود و درآمد حدود ۶۰ درصد از مردم آمریکا به مدت ۲۰ سال افزایش نیافته بود. در انتخابات گذشته، بخشی از مردم به ترامپ رای دادند تا رئیس‌جمهور جدیدی را آزمایش کنند.

این نویسنده نیویورک‌تایمز گفت دردهای زیادی در داخل آمریکا به درمان نیاز دارد. همواره باور داشته‌ام که ما اقدامات احمقانه زیادی انجام داده‌ایم و در خاورمیانه مرتکب اشتباهات زیادی شدیم. با این وجود، من به‌شدت نگران جهانی هستم که در آن، آمریکا در انزوا قرار داشته باشد. زیرا کشورهایی مانند روسیه و چین، خلاء ایفای نقش آمریکا را پر خواهند کرد. باقی ماندن ترامپ در ریاست‌جمهوری به مدت چهار ســـال دیگر، برای آمریکا و نیز جهان فاجعه‌بار خواهد بود. دردناک اســـت که بگوییم بزرگترین ناکامی جهان در مقابله با شیوع ویروس کرونا، متعلق به دولت آمریکاست. زیرا بر اساس اصول علمی، راهبرد خودش را تعیین نکرد.

بزک‌کنندگان برجام می‌گویند مبنای مذاکره اعتماد نیست

همکار نشـــریات زنجیره‌ای برخلاف منطق برجامی این طیف مبنی بر اعتماد و خوش‌بینی به آمریکا می‌گوید؛ مذاکره با آمریکا، ربطی به اعتماد ندارد.

احمد زیدآبادی نوشت: «اینکه مسئولان جمهوری اسلامی بخواهند یا نخواهند با دولت آمریکا مذاکره کنند، به خودشـــان مربوط اســـت؛ اما اینکه عدم مذاکره را به «بی‌اعتمادی» به واشنگتن مربوط می‌کنند، به نظرم استدلال خیلی ضعیف و بی‌پایه‌ای است. اگر اعتماد را به اطمینان نسبت به صداقت و یکرنگی و نیت پاک و خالص دو طرف نسبت به یکدیگر تعریف کنیم، چنین امری بین دوستان نزدیک و صمیمی در زندگی شخصی هم به سختی یافت می‌شود؛ چه رسد به میان دولت‌ها که اساسا روابط‌شان مبتنی بر بی‌اعتمادی است. برای نمونه، یک فرد عادی در طول روز ممکن است برای روشن شدن صورت مسئله‌ای یا حل مشکلی با ده‌ها نفر از راننده تاکسی و تعمیرکار گرفته تا مغازه‌دار و صاحب بنگاه معاملاتی وارد بحث و گفت‌وگو شود؛ بدون آنکه به صداقت و درستکاری آنها اطمینان و اعتمادی داشته باشد.

از قضا، تعاملات مادی بین انسان‌ها معمولا مبتنی بر بی‌اعتمادی است و به همین دلیل، وقتی پای معامله یا بده - بستانی پیش می‌آید؛ حتی دوستان نزدیک هم بحث قرارداد شفاف و رسمی را پیش می‌کشند تا بعدها حرف و حدیثی پیش نیاید. به همین علت، کسانی که معاملات خود را بر پایهٔ اعتماد به طرف مقابل پیش می‌برند؛ اغلب خود را نادم و پشـــیمان معرفی می‌کنند و انگشت حسرت به دندان می‌گزند که چرا سادگی کرده‌اند و به طرف‌شان اعتماد داشته‌اند.

حال، وقتی بین دوستان هم عمدتا بنا بر بی‌اعتمادی در امور مادی است؛ انتظار اعتماد بین رقیبان و دشمنان چه وجهی دارد؟

اساسا دولت‌های ایران و آمریکا روی چه مبنایی باید به هم اعتماد داشته باشند؟ چه چیزشـــان به هم شبیه است؟ کدام سیاســـت واحد را در منطقه و جهان دنبال می‌کنند؟ کدام ارزش‌های مشترک را نمایندگی می‌کنند؟ چه منافع یکسانی را برای همدیگر به‌رسمیت می‌شناسند؟

ممکن اســـت گفته شـــود حال که این‌طور است، پس مذاکره بین آنها دیگر چه معنایی دارد؟ در واقع، مذاکره به منظور کشـــف یا خلق ایده، ارزش، سیاســـت و نفع مشترکی است که بر اساس آن بتوان به خصومت پایان داد یا دست‌کم آن را کنترل کرد و از دامنه‌اش کاست.

وی می‌افزاید: آنچه برجام را از جان انداخت، مســـئله اعتماد و بی‌اعتمادی نبود؛ بلکه فقدان اراده در بخشی از محافل هر دو سوی ماجرا، برای کشف و بس